

دوره نهم تقلید

جلسه ۶۰

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات اول و دوم)

اول بهمن ۱۳۱۲ - ۵ شوال ۱۳۵۲

شماره مسلسل : ۹۰۴

قیمت اشتراك { سالانه : ۱۰۰ ریال }
داغله : ۷۰ ریال
فک شماره : دو ریال

مطبعة مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه اول بهمن ماه ۱۳۱۲ (۵ شوال ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- | | |
|---|--|
| ۱ (تصویب صورت مجلس | ۱ (تصویب لایحه مرجم حل اختلاف صلاحیت بین محاکم و محاکمات عالی |
| ۲ (شور ثانی و تصویب لایحه اصلاح ماده ۹ قانون سجل احوال | ۵ (موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه |
| ۳ (شور ثانی و تصویب اصلاح ماده ۴۰ قانون استخدام | |

(مجلس يك ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس یکشنبه ۲۴ دی ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؛ (گفته شد -
خیر) صورت مجلس تصویب شد .

۲ - شور ثانی و تصویب لایحه اصلاح ماده ۹ قانون سجل احوال

رئیس - خبر از کمیسیون قوانین عدلیه راجع باصلاح
ماده ۹ - سجل احوال قرائت میشود :

خبر کمیسیون

کمیسیون عدلیه برای شور دوم لایحه ماده ۹ قانون سجل احوال مصوب دولت راجع باصلاح ماده ۹ قانون سجل احوال مصوب ۱۱ آذر ماه ۱۳۱۰ را با حضور آقای وزیر عدلیه مورد

شور و مطالعه قرار داده با مطالعه کامل در اطراف
پیشنهادات آقایان نمایندگان محترم و آقای وزیر عدلیه
بالاخره ماده مزبور را بشرح ذیل اصلاح و اینک خبر
آرا برای تصویب مجلس مقدس شورای ملی تقدیم مینماید :
ماده واحده - ماده ۹ قانون اصلاح قانون سجل احوال
مصوب ۱۱ آذر ماه ۱۳۱۰ نسخ و ماده ذیل بجای آن
تصویب میشود :

ماده نهم - اگر اوراق هویتی از لحاظ مشمولیت نظام
وظیفه نظر باختلاف فاحش قیافه مورد اعراض کمیسیون مرکب
از نمایندگان نظام وظیفه و احصائیه و سجل احوال و
امنیه و نظمی در هر حوزه اعم از مرکز و ولایات

این مذاکرات مشروح شعبه نهم تقنینیه (مطابق صورت ۴ آذر ماه ۱۳۰۸)

دائر تند نویسی و تحریر صورت مجلس

غائبین غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائبین بی اجازه - آقایان : دهنا - علوی سبزواری - علوجی - اسفندیاری - یاستانی - وکیل - جهانشاهی - یونس آقا وهاب زاده -
آقا رضا مهدوی - شریعت زاده - کورس - کازرونی

واقع شود رسیدگی با اعتراض مزبور در هیئتی مرکب از حاکم محل یا نماینده او و نمایندگان عدلیه و ادارات فوق‌الذکر و یک نفر طبیب با انتخاب نظام وظیفه و دو نفر از معتمدین محلی با انتخاب هیئت مزبور بعمل خواهد آمد - تشکیل هیئت مزبور و تسلیم اعتراض بهیئت در صورت عدم تصادف با ایام تعطیل باید در ظرف ۸ ساعت بعمل آید هیئت مذکوره با حضور معترض علیه با اعتراض مذکور رسیدگی کرده و نظریه خود را به معترض علیه ابلاغ و راپرت امر را بضمیمه دوسیه تحقیقات بمرکز ارسال خواهد داشت در مرکز هیئتی از نمایندگان ارشد اداره نظام وظیفه و اداره احصائیه و یک نفر طبیب با انتخاب اداره صحبه کل فزون و یک نفر طبیب با انتخاب اداره صحبه کل مملکتی و مدعی العموم ابتدائی یا نماینده او راپرت مذکور و محتویات دوسیه امر دقیقاً رسیدگی و رأی خواهند داد .

رأی هیئت مذکور در صورت وصول تقاضا و اظهار دلائل و مدارك لازمه از طرف معترض علیه الی مدت يك ماه (از تاریخ ابلاغ باو) با رعایت حق مسافت قانونی فقط با اجازه وزارت جنگ قابل تجدید نظر و پس از انقضای يك ماه قطعی خواهد بود

در صورت صدور اجازه تجدید نظر یا حضور هیئتی که یک نفر آن طبیب نظامی خواهد بود بعمل آمده و رأی هیئت مذکور قطعی خواهد بود

هیئت تجدید نظر با انتخاب وزارت جنگ تعیین خواهد شد رأی هیئت تجدید نظر و همچنین پس از انقضای يك ماه مدت معینه جهت تقاضای تجدید نظر رأی هیئت نهائی به معترض علیه ابلاغ و مدلول آن در روی ورقه هويت و در ستون ملاحظات دفاتر مربوطه قید میشود لیکن این رأی فقط از نقطه نظر مقررات راجع بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود .

نسبت باوراق هويتي که قبل از تاریخ تصویب این قانون به موجب حکم قطعی عدلیه یا بموجب تجدید نظر مطابق ماده ۸ قانون سجل احوال مصوب ۲۰ اسفند ماه

مگر در صورت استمهال از طرف معترض علیه تبصره ۵ - آراء صادره سابق کمیسیون نهائی (مشکله بموجب قانون آذر ۱۳۱۰) در صورتیکه تا کنون اجرا نشده و معترض علیهم با ابراز مدارك مثبت شکایت نموده باشد با اجازه وزارت جنگ مطابق مقررات فوق قابل تجدید رسیدگی خواهد بود .

تبصره ۶ - ماده ۵ در ۵ قانون مجازات مجرمین در امور نظام وظیفه مصوب ۲۳ اسفند ماه ۱۳۱۰ شامل کلیه اشخاصی خواهد بود که مأمور اجرای این ماده میباشدند - مجازات منخلف از مقررات نظامنامه هائیکه بموجب این ماده تنظیم میشود مطابق مقررات انضباطی قشونی معین خواهد شد .

تبصره ۷ - بطور کلی این ماده تا اجرای سر شماری و تجدید نظر در اوراق هويت قابل اجرا خواهد بود

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم .

رئیس - آقای طباطبائی .

طباطبائی دپیا - بنده موافقم ولی این جا يك نکته نوشته شده است که تشکیل هیئت مزبور و تسلیم اعتراض بهیئت در صورت عدم تصادف با ایام تعطیل باید در ظرف چهل و هشت ساعت بعمل آید. تشکیل صحیح ولی کی این هیئت را تشکیل میدهد در این جا تصریح نشده یعنی کدام اداره تشکیل میدهد و کدام اداره مکلف است این هیئت را تشکیل بدهد نظرم می آید در لایحه دولت این بود که حاکم محل تشکیل میدهد بعد در کمیسیون هم مذاکره شد و در این جا تصریح نشده این است که میخراشیم آقای وزیر عدلیه يك توضیحی بدهند جهت این که حاکم محل تشکیل بدهد و تشکیل این هیئت در قانون معلوم نباشد این اسباب اشکال می شود اگر يك اداره مکلف باشد برای تشکیل این هیئت .

وزیر عدلیه - (آقای سدر) بالضرورة حاکم بالاخره تشکیل خواهد داد ولی مقصود این بود که اختیار هم تنها با حاکم نباشد این هیئت باید تشکیل بشود والبته وقتی که بوسیله حاکم این اعتراض داده می شود او عملاً این کار را

خواهد کرد و از وظایف او است ولی غرض این بود که این اختیار تنها با او نباشد که اگر بخواند تشکیل بکند و اگر نخواهد تشکیل نکند ولی بالضرورة تشکیل می شود مقصود این است و عبارت هم وافی است .
رئیس - آقای اعتبار .

اعتبار - در اول این ماده مینویسد نمایندگان که برای رسیدگی معین می شوند و اسم میرسد نمایندگان اداره نظام وظیفه و احصائیه و سجل احوال و امنیه و نظایه نمایندگان که اسم میرسد نظر بنده در این جا نظر ندارم که احصائیه و سجل احوال در يك محلی دو اداره باشد همه جا هر دو یکی است در ولایات هم جائی نیست که این دو اداره را از هم سوا کرده باشند که بخواهند از این دو اداره از هر کدام يك نماینده بیاورند و این هر دو یکی است و بهتر این است که تصریح شود که از احصائیه و سجل احوال يك نماینده یکی دیگر هم در قسمت آخر ماده است که مینویسد که نسبت باوراق هويتي که محکمه بموجب اعتراضی که اداره نظام وظیفه میدهد بوسیله مدعی العموم تجدید نظر میکند و حکم میدهد و این حکم هم قابل استیناف و تمیز نیست و این جا اداره سجل احوال مکلف است که ورقه هويت شخص معترض علیه را مطابق آن حکم تصحیح کند و حال آنکه نظر اینجا صرفاً از نقطه نظر نظام وظیفه باید باشد برای این که ممکن است اوراق سن معترض علیه سابقاً روی جریانات دیگر کارهایی شده باشد و روی آن سن عدلیات و اقداماتی شده باشد که در این قسمتها هم مؤثر باشد و اسباب زحمت باشد در صورتیکه در يك قسمت هست که این رأی منحصراً از جهت مقررات راجعه بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود لکن این قسمت مربوط می شود به تجدید نظری که از طرف وزیر عدلیه و وزیر داخله و نماینده وزارت جنگ می شود و این از نظر نظام وظیفه مؤثر خواهد بود و سایر قسمتها را شامل نمی شود و بنده در تبصره بنده ملتفت نشدم که بطور کلی این ماده تا اجرای سر شماری و تجدید نظر در اوراق هويت قابل اجرا خواهد بود این غیر از آن پنجالی است که قبلاً چون اینجا معین میکند که این اعتراض دادن روی نظام وظیفه تا پنجسال باید باشد

این بصره مینویسد برای مدت غیر معینی. این را میخواستم توضیح بدهند.

وزیر عدلیه - در قسمت اول که احصائیه و سجل احوال نوشته شده است هر دو یکی است این و او عطفه بان است و اگر هم ضرورت نداشته باشد بر میداریم. در قسمت دوم که راجع است به اعتراض بر احکام عدلیه این جا این نکته را آقایان باید در نظر داشته باشند که احکامی که از عدلیه صادر شده است بنابر شکایت اشخاص بوده است از اداره سجل احوال راجع به ورقه هویت و این محاکمه ما بین شخص معترض و اداره سجل احوال بوده است همین است که این حکم نسبت به اشخاص ثالث معتبر نخواهد بود یعنی اگر در یک موضوعی برای امر خصوصی یک شخص خارجی غیر از اداره نظام وظیفه بخواهد اعتراض بکند حق دارد مثلاً اگر یک کسی که اکبر اولاد است دیگری ممکن است بر او اعتراض بکند که خیر او اولاد اکبر نبوده است و من بوده ام و آن ورقه را بیدل خودش تنظیم کرده است محکمه البته باید رسیدگی کند و وقتی که رسیدگی کرد حکمی که بعد از آن صادر می شود بنام جهات مؤثر خواهد بود ولی حکم اخیر حکم معترض علیه را هر گاه صحیح دانست حکم قطعی است در اینجا هم اگر اداره نظام وظیفه هر چند از حیث سن ایراد بکند ولی اگر محکمه آن ایراد را وارد داند و حکم سابق را فسخ کرد و البته حکم اخیر معتبر است همه جهت ولی در عین حال هم اشخاص دیگری غیر از اداره نظام وظیفه در موقع خودش بخواهد اعتراض کند باز میتواند زیرا هیچ حکم عدلیه نیست که جلوگیری بکند از اعتراض یک معترضی که خودش را ذیحق میداند در اعتراض این قاعده کلی است بنابر این وقتی که اعتراض بحکم عدلیه شد و محکمه عدلیه آن حکم سابق را فسخ کرد و حکم دوم داد باینی در دفتر سجل احوال تصریح بشود زیرا که حکم قطعی است برخلاف نظر کمیسیون در قسمت دومی آن کمیسیون فقط از قلمه نظر نظام وظیفه ملاحظه میکند و ربطی بجهت دیگر قضائی و تأثیرات حقوقی آن ورقه ندارد از این جهت در اینجا این قید شده است که در قسمت دوم شامل نیست

همه جهات را ولی در قسمت اول البته تأثیراتش همه جاهت و در قسمت آخر این مسئله اجرای سرشماری و تجدید نظر در اوراق هویت که چه وقت واقع خواهد شد دولت نمیداند که چه وقت موفق خواهد شد باینی و سائلش فراهم شود ممکن است دو سال فراهم شود ممکن است سه سال فراهم شود ممکن است پنج سال ده سال فراهم شود آن موقعش همین نیست ولی در این قسمت که تا پنج سال دیگر گذاشته شده است برای این است که باب اعتراض مسدود شده باشد اگر بعد از پنج سال اعتراض شود بواسطه اختلاف قاضی سن یا جهات دیگر ممکن باشد این است که یک مرور زمانی برای این قائل شدیم.

رئیس - آقای اعتبار. صدای شما را آنجا نشنیدیم.

اعتبار - چون مختصر است اجازه بفرمائید همین جا عرض کنم.

رئیس - پس جاوتر تشریف بیاورید.

اعتبار - فرمایشات آقای وزیر عدلیه بنده را قانع کرد اما در قسمتی که حکم محکمه در تمام قسمت ها مؤثر است پس ما چرا حق استیفاء و تمیز را از او بگیریم در صورتیکه حکم محکمه بدوی است و همانطور که در سایر جهات ما استیفاء و تمیز را برای دفعه استیفاءات قائل شدیم در این قسمت هم ممکن است یک اثرات بزرگی برای شخص داشته باشد وقتی که این قسمت را شامل خواهد بود یعنی مؤثر خواهد بود در تمام موضوعات زندگانی او مؤثر خواهد بود اینجا هم اگر موافقت بفرمایند چون مربوط بنظام وظیفه می شود استیفاء و تمیز را هم قائل شویم

وزیر عدلیه - اینجا چون اعتراض از طرف اداره نظام وظیفه است بنظر آمد اکتفا شود که همان حکم اداری کافی شود و استیفاء و تمیز نداشته باشد برای اینکه همه اصلاحاتی که در این قانون شده بر این هیچ بود است قانونی هم که قبلاً گذاشته همینطور بوده است این جا هم حق استیفاء و تمیز را برداشته است ولی در عین حال این ورقه تأثیراتش ما بین شخص است و اداره نظام

وظیفه اگر شخص دیگری از قلمه نظر حقوقی اعتراض بر همین ورقه بعد از این حکم اخیر هم داشته باشد حق دارد به محکمه شکایت کند و او قابل استیفاء و تمیز نخواهد بود اینکه اداره نظام وظیفه اعتراض کند اینجاست که دیگر قابل استیفاء و تمیز نیست.

رئیس - آقای مخبر نظری داشتید.

مؤید احمدی - (مخبر) - در بصره پنج يك اصلاح عبارتی بنظر بنده رسید بصره پنج میگوید آراء صادره سابق کمیسیون نهائی (مشکله بموجب قانون آذر ۱۳۱۰) در صورتیکه تا اکنون اجراء نشده و معترض علیه با ایراز مدارک مشتمله شکایت نموده باشند اینجا شکایت (داشته باشند) بنظر بنده بهتر است اگر آقای وزیر عدلیه تصویب میکنند این اصلاح بشود.

وزیر عدلیه - موافقم

رئیس - که (نموده باشند) را مبدل کنند به

(داشته باشند)؛ (وزیر عدلیه - بلی) حالا برای بنده يك مشکلی پیدا شد که آقای مخبر از نقطه نظر کمیسیون این اصلاح را کردند یا شخصاً؟

مخبر - در کمیسیون اینطور مذاکره شد و بنده همچو تصور میکنم که در طبع استیفاء شده باشد از این جهت تذکر دادم.

رئیس - اشکال دیگری نیست؟ (گفته شد - خیر) آقایانی که با ماده یا اصلاح کوچکی که از طرف آقای مخبر با اجابت آقای وزیر عدلیه شد موافقت دارند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند) تصویب شد.

۲- شور ثانی و تصویب اصلاح ماده ۴۰ قانون استخدام

رئیس - خبر کمیسیون قوانین عدلیه راجع اصلاح ماده ۴۰ قانون استخدام کشوری قرائت میشود

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین عدلیه لایحه نمره ۲۰۲۶۰ دولت راجع بطرز رسیدگی به تصدیقات مستخدمینی که متهم بارتکاب جنحه یا جنایت میباشند مطرح و برای شور دوم با حضور آقای وزیر عدلیه مورد دقت و مطالعه قرار داده بالاخره

رایبورت شور اول خود را تأیید و اینکه خبر شور ثانی آن را تقدیم میدارد:

ماده واحده - عدم رعایت قسمت اول ماده ۴۰ قانون استخدام کشوری از طرف مجلس تحقیق و محاکمه اداری و محکومیت مستخدم بمجازات انتظامی مقرر در قانون مزبور و یا نبرته او مانع از تعقیب مستخدم متهم بارتکاب جنحه یا جنایت در محکمه عمومی نمیشد.

رئیس - آقای طباطبائی دینا

طباطبائی دینا - بنده عقیده ام این است قوانینی که از مجلس میگذرد و تصویب میشود نباید در اینجا يك راهی باز کرد برای عدم اجرای يك مواد دیگری از قوانین ماده ۴۰ قانون استخدام عیناً همین است که بنده قرائت میکنم: ماده ۴۰ - هر گاه در ضمن رسیدگی بتفصیلات اداری بکنفر از مستخدمین مظنون یا کشف شود که مستخدم مزبور مرتکب جنحه یا جنایتی نیز گردیده است موافقاً از خدمت منقل و به محاکم عمومی احاله شده مجلس تحقیق و محاکمه اداری برای صدور رأی منتظر نتیجه قطعیه از محاکم عمومی خواهند بود. در این ماده ۴۰ تصریح شده است که این محکمه اداری باید منتظر بشود که محکمه عمومی حکم بدهد و نتیجه قطعی از برایش حاصل شود اینجا در ماده واحده مینویسد عدم رعایت قسمت اول ماده ۴۰ قانون استخدام کشوری الی آخر ظاهر عبارت این است که اجازه میدهیم در يك موردی ماده ۴۰ قانون استخدام حقیقتاً رعایت نشود یعنی محکمه مستخدم را باید محاکمه کند و بعد هم منتظر شود که در محاکم عمومی تکلیف قطعی او معلوم شود و این خلاف قانون است یعنی مخالف صریح ماده ۴۰ قانون استخدام است. بنده عقیده ام این است که آقای وزیر عدلیه بوسیله اصلاح عبارتی با ترتیب دیگری این عبارت را اصلاح بفرمائید زیرا این عبارت برای عدم رعایت ماده قانون ۴۰ را مادر قانون بنویسیم خوب نیست

مخبر - فرمایشات آقای طباطبائی دینا در صورتی که محکمه بود کاملاً صحیح بود ولی در اینجا لازم است

بنده يك توضیحی بدهم در همین ماده که قرائت فرمودند همین ماده ۴۰ قانون استخدام . هر اداره مثلا فرض کنید وزارت داخله وزارت مالیه سایر وزارتخانهها هر وقت از يك مستخدمی سوء ظن بردند که این يك تصمیم اداری کرده مطابق همین ماده ۴۰ موقتا او را از خدمت منفصل میکنند آنوقت محکمه تشکیل میدهند . این محکمه قضاتند؟ خیر . فقط شرطش این است که رتبه شان از رتبه متهم بالاتر باشد یا مساوی . مثلاً اگر رتبه مستخدم يك است قضاتش ممکن است سه نفر رتبه دو باشند یا رتبه سه . اینها تعقیب می کنند . تصدیق میفرمائید که اینها قضی نیستند این جلسه تحقیق و محکمه تحقیق اداری است که در ماده ۴۰ قانون استخدام تصریح دارد همین ماده که قرائت فرمودید میگوید مجلس تحقیق و محکمه اداری تشکیل میدهند اینها می توانند مجازات اداری بکنند ولی مجازات عمومی نمی توانند باین شخص بدهند ...

طباطبائی دیا - این شخص مجازات میشود چه طور محکمه نیست .

مخیر - اجازه بفرمائید . این ها رسیدگی می کنند بدوسیه . اگر تصمیم اداری دارد میگوید سه ماه یا چهار ماه مثلا منفصل . یا کسر ثلث حقوق در سه ماه . قنزل رقبه . اینها چیزهایی است که در قانون استخدام تصریح شده است . اما اگر در دوسیه دید که این مستخدم علاوه از تصمیم اداری يك جنبه و جنابیتی مرتکب شده این دلیل بر این است که قضی نیست . برای اینکه فوراً باید دوسیه را به بنده و حق رسیدگی باین دوسیه را دیگر ندارد . و باید بفرستد به محاکم عمومی تا او مجازاتش را معین کند . و در همین جلسه تحقیق و محکمه اداری ممکن است از نظر اداری رای صادر کند . حالا این اشخاص ممکن است واقفاً سوء نظر و سوء قصد نداشته باشند و حکمی صادر کنند در حالتی که متوجه این نکته نبوده اند حالا حکمی از مجلس تحقیق صادر شده تکلیف با این

به محکمه عمومی نسبت به تصمیمات اداری حکمی بدهد این حکم مانع از او نخواهد بود الخ . (مجدداً ماده با مشارکت آقایان مخیر و وزیر عدلیه بطریق ذیل اصلاح و قرائت شد) در مورد قسمت اول از ماده چهل قانون استخدام کشوری هر گاه مجلس تحقیق و محاکمه اداری اشتباهاً قبل از ارجاع امر به محکمه عمومی حکمی صادر نماید این حکم مانع از تعقیب مستخدم متهم بارتکاب جنبه یا جنایت در محکمه عمومی نخواهد بود

رئیس - آقای مخیر و آقای وزیر عدلیه هر دو با این اصلاح موافقت دارند

وزیر عدلیه - بل

مخیر - بل

رئیس - آقایانی که با ماده واحده بوضعیکه اصلاح و قرائت شد موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد.

۴- تصویب لایحه مرجع حل اختلاف صلاحیت بین محاکم و دیوان محاکمات مالیه

رئیس - خیر کمیسیون عدلیه راجع به مرجع حل اختلاف راجع بصلاحیت بین محاکم عدلیه و دیوان محاکمات مالیه . ماده اول قرائت میشود :

ماده اول - مرجع حل اختلاف راجع بصلاحیت بین محاکم عدلیه و دیوان محاکمات مالیه دیوان عالی نیز است

رئیس - آقای طباطبائی دیا

طباطبائی دیا - بنده عقیده ام این است اصلاحیه که آقای وزیر عدلیه فرمودند صحیح است ولی در مرکز این اصلاح عیبی ندارد چون در ماده صد و هفتاد محاکمات تصریح شده است که اگر مابین محکمه ابتدائی و يك محکمه اداری دیگر اختلافی بشود دراینکه مرجع عدلیه است یا دیوان دولتی آنجا در ماده صد و هفتاد تصریح شده است که مراجعه می شود به محکمه استیناف این اصلاح در مرکز عیبی ندارد چون در مرکز دیوانه عالی نیز در دسرس است البته این بهتر است و بنظر بنده مناسبتر است که دیوان عالی نیز رفع اختلاف بکند ولی در ایالات و ولایات بنده عقیده ام این است که

اگر اختلاف شد و محکمه ابتدائی رای صادر کرد رجوع به آن استیناف بشود بهتر است و دوسیه بجهت از ولایات نباید بر مرکز که اینجا رسیدگی بخود دیوان نیز و این يك قدری اسباب زحمت است و اگر اصلاحی راجع بولایات میکردید یا اینکه در مرکز يك ترتیبی باشد که اسباب زحمت مردم نشود بهتر است

وزیر عدلیه - علت تغییر این قانون که در نظر آمد همین مشکلی است که آقای دیا بصورت اصلاح در نظر دارند زیرا مفاد آن ماده این است که اگر اختلاف بین محکمه ابتدائی و اداره دیگر دولتی در امری حاصل شد که داخل در صلاحیت محکمه عدلیه است یا آن اداره دولتی مرجع یا استیناف قرارگاه است که در آنجا محکمه مختلطی تشکیل بشود چون آنوقت محاکمات مالیه نبود که این قانون نوشته شده است این است که اداره دیگر دولتی اسم برده شده است حالا که يك محاکمی در مالیه تشکیل شده در ولایات منبسط نیست و چون در ولایات يك اختلافی روی میدهد یعنی يك محکمه ابتدائی اسفهان مثلاً کاربرد در صلاحیت خودش میدانند قهی صلاحیت میکند و محکمه مالیه بالعکس رای میدهد یعنی او هم باقی صلاحیت میکند یا اینان صلاحیت میکند آنوقت احتیاج پیدا می شود يك مرجعی که حل این اختلاف را بکند اگر بگوئیم محکمه استیناف اسفهان یا ولایات دیگر صلاحیت داشته باشد آنوقت مستلزم این است که رئیس محاکمات مالیه برود در آنجا برای رفع اختلاف و این مشکل است بجهت اینکه يك محکمه مالیه در مرکز بیشتر نیست پس نظر این شد که این اختلاف بین محکمه ابتدائی و محکمه مالیه مثل اختلاف بین استیناف و محکمه مالیه باشد همانطوریکه آنجا مرجع تمیز است در اینجا هم مرجع دیوان عالی نیز باشد تا این اشکالات پیدا نشود

رئیس - آقایانی که با ماده اول موافقت دارند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . ماده دوم قرائت میشود

ماده دوم - مفاد ماده ۱۷۰ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب رمضان و ذیحجه ۱۳۲۹ قمری شامل اختلاف بین محاکم عدلیه و محاکمات مالیه نخواهد بود .

رئیس - اشکالی نیست (خیر) موافقین با ماده دوم قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) تصویب شد . مذاکره در کلیات ثانی است . مخالفی نیست . آقایانی که با مجوعه قانون قانون موافقت دارند قیام فرمایند . (اکثر قیام نمودند) تصویب شد

[۵ - موقع و دستور جلسه بعد . ختم جلسه]
رئیس - پیشنهاد شده است که جلسه را ختم کنیم استدلالی هم که در پیشنهاد شده است این است که يك ندره دیگر کاری که باقی مانده است ذخیره نگاهداریم آقای شریعت زاده .

شریعت زاده - بنده خواستم عرض کنم این يك امره کاری که مقام ریاست بآن اشاره فرمودند يك نمره کار مورد احتیاجی است لایحه است واجب بوزارت عدلیه اگر اجازه مفرمایند تصویب شود اشکالی ندارد .

بعضی از نمایندگان - جلسه آتی
رئیس - ما بسابقه آقای وزیر عدلیه متوض میکنیم
وزیر عدلیه - بسیار خوب بنده هم موافقت باشد
جلسه آتی

رئیس - جلسه آتی هم آنقدر ها مطابق نظر آقای شریعت زاده دور نیست . اولاً خواهش میکنم از آقایان که روز چهار شنبه چهارم بهمن سه ساعت قبل از ظهر به جلسه خصوصی تشریف بیاورند برای اینکه راجع بجهت اتحاد بین المجالس اقداماتی ضرور است که انجام بیاید جلسه آینده هم یکشنبه هشتم بهمن سه ساعت قبل از ظهر دستور لوابیح موجوده

(مجلس پس از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - داد سر

قانون

اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک (مصوب کپون فرانین عدلیه)

ماده اول - مقوم ۳ ماده ۳۲ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ بطریق ذیل اصلاح می شود .

مقوم ۳ - در صورتیکه در تاریخ اجرای قانون مصوب ۲۶ بهمن ماه ۱۳۰۸ ملك مورد معامله در تصرف انتقال گیرنده بوده و لااقل پنجسال از انقضاء موعده حق استرداد تا تاریخ مزبور گذشته باشد مشروط بدو شرط ذیل الف - از انقضاء موعده حق استرداد تا تاریخ اجرای قانون بهمن ۱۳۰۸ از طرف انتقال دهنده با قائم مقام قانونی او بوسیله عرضحال یا اظهارنامه رسمی اعتراض به مالکیت انتقال گیرنده نشده باشد

ب - در صورتیکه تا تاریخ تصویب این قانون (۲۸ دیماه ۱۳۱۲) حکم قطعی بر بی حقوقی انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او صادر نشده باشد .

ماده دوم - الف - مقوم از حکم مقرر در قسمت اول ماده ۲۸ قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۱۰ راجع بمعاملات مذکور در ماده ۳۳ این قانون این است که اگر چه انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او عین مورد معامله را مطالبه کرده باشد محاکم مکلفند بر طبق مفاد ماده ۳۱ و دو تبصره آن و ماده ۳۸ قانون مزبور برد اصل وجه و متفرعات مذکور در ماده ۳۸ حکم صادر نمایند مگر آنکه انتقال دهنده قبل از صدور حکم به تسلیم عین مال در مقابل اصل حاضر شود که در این صورت به تسلیم عین و متفرعات حکم صادر خواهد شد .

ب - در صورتیکه مدعی اصل وجه و متفرعات را مطالبه کند محکمه نمیتواند حکم به تسلیم عین بدهد ولو اینکه انتقال دهنده به تسلیم عین مال حاضر شود .

ماده سوم - در صورتیکه مال مورد معامله با حق استرداد در تصرف شخص دیگری غیر از انتقال دهنده یا وارث او باشد انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او برای وصول طلب خود بابت اصل وجه و متفرعات میتواند بهر يك از انتقال دهنده یا وارث او و یا کسی که عین مورد معامله را متصرف است اقامه دعوی نماید و رجوع بهر يك مانع مراجعه بدیگری نخواهد بود .

هر گاه بمتصرف رجوع شد و حاصل از فروش ملك کفایت اصل و متفرعات را نکرد مدعی میتواند برای بقیه باسئال دهنده رجوع کند و انتقال گیرنده میتواند در صورتیکه متصرف عام بمعامله اولیه بوده برای بقیه طلب خود در حدود مدای که مورد معامله در تصرف متصرف بوده بهشارالیه نیز مراجعه کند اعم از اینکه متصرف استیقای منفعت کرده یا نکرده باشد .

ماده چهارم - هر گاه انتقال گیرنده عین مال مورد معامله با حق استرداد را ادعا کرده و باسناد مقررات قانون ثبت راجع باین نوع معاملات در مطالبه عین محکوم شده باشد طرف دعوی او حق مطالبه خسارات محاکمه از او نخواهد داشت .

ماده پنجم - این قانون از دهم بهمن ماه ۱۳۱۲ بموقع اجرا گذاشته میشود .

چون بموجب قانون ۲۲ مهر ماه ۱۳۱۲ وزیر عدلیه مجاز است لوابیح قانونی را که به مجلس شورای ملی

پیشنهاد نماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقسی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل کرده تا برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید علیهذا (قانون اصلاح قانون ثبت اسناد و املاک) مشتمل بر پنج ماده که در تاریخ بیست و هشتم دی ماه یکپزار رسید و درازده شهریور تصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجرا است.

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

ماده الحاقیه

مقانون اصول محاکمات جزائی

ماده واحده - ماده ذیل تحت نمره ۱۳۰ مکرر بقانون اصول محاکمات جزالی اضافه می شود:
ماده ۱۳۰ مکرر - اگر مدعی العموم دیوان تمیز تشخیص دهد که دلایل و قرائن و شواهد موجود در دعوای مخالف اصول و کیفیاتی است که محکمه مستند استیاض خود بر تقصیر یا مراعات متهم قرار داده میتواند برای بکفریه نسبت بهر موضوعی از این حیث رسیدگی و نقض حکم را در دیوان تمیز تقاضا نماید - در این صورت دیوان تمیز اگر در نتیجه رسیدگی نظریه مدعی العموم را وجه دید حکم متمیزانه را نقض خواهد کرد
تبصره - رسیدگی تمیزی نسبت باحکامیکه پس از ارجاع دیوان تمیز از محاکم صادر می شود مطابق مقررات جاریه بعمل خواهد آمد

چون بموجب قانون ۲۳ مهرداد ۱۳۱۲ موزیر عدلیه مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه به موقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقسی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع و قوانین مزبوره را تکمیل نموده تا برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید علیهذا (ماده الحاقیه بقانون اصول محاکمات جزائی) که در تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۱۲ بتصویب کمیسیون قوانین عدلیه مجلس شورای ملی رسیده قابل اجراء است.
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اصلاح ماده نهم قانون سبجل احوال

ماده واحده - ماده ۹ قانون اصلاح قانون سبجل احوال بموجب ۱۱ آذر ماه ۱۳۱۰ نسخ و ماده ذیل بجای آن تصویب میشود:

ماده نهم - اگر اوراق هویتی از لحاظ مشمولیت نظام وظیفه نظر باختلاف فاحش قیافه مورد اعتراض کمیسیونی مرکب از نمایندگان نظام وظیفه و احصائیه و سبجل احوال و امنیه و نظامیه در هر حوزه اعم از مرکز و ولایات واقع شود رسیدگی با اعتراض مزبور در هیئتی مرکب از حاکم محل نمایندنده او و نمایندگان عدلیه و ادارات فوق الذکر و یک نفر طبیب بانتخاب نظام وظیفه و دو نفر از متمدین محلی بانتخاب هیئت مزبور بعمل خواهد آمد. تشکیل هیئت مزبور و تسلیم اعتراض هیئت در صورت عدم تصادف با ایام تعطیل باید در ظرف ۴۸ ساعت بعمل آید هیئت مذکوره با حضور معترض علیه با اعتراض مذکور رسیدگی کرده و نظریه خود را بمعترض علیه ابلاغ و ایورت امر را بضمیمه دوسیه تحقیقات بمرکز ارسال خواهد داشت.

در مرکز هیئتی از نمایندگان ارشد اداره نظام وظیفه و اداره احصائیه و یک نفر طبیب بانتخاب اداره صبه

محل اکتون و یک نفر طبیب بانتخاب اداره صبه کل ممالکی و مدعی العموم ابتدائی یا نماینده او برابرت مذکور و محتویات در سبجل امر دقیقاً رسیدگی و رأی خواهند داد.

رأی هیئت مذکور در صورت وصول تقاضا و اظهار دلایل و مدارك لازمه از طرف معترض علیه الى مدت یکماه (از تاریخ ابلاغ باو) با رعایت حق مسافت قانونی فقط با اجازه وزارت جنگ قابل تجدید نظر و پس از انقضای يك ماه قطعی خواهد بود.

در صورت صدور اجازه تجدید نظر با حضور هیئتی که بکفر آن طبیب نظامی خواهد بود بعمل آمده و رأی هیئت مذکور قطعی خواهد بود

هیئت تجدید نظر بانتخاب وزارت جنگ تعیین خواهد شد رأی هیئت تجدید نظر و همچنین پس از انقضای یکماه مدت معینه جهت تقاضای تجدید نظر برای هیئت نهائی بمعترض علیه ابلاغ و مداول آن در روی وراره هویت و در ستون ملاحظات دفتر مربوطه آید میشود لیکن این رأی فقط از نقطه نظر مقررات راجع بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود.

نسبت باوراق هویتی که قبل از تاریخ تصویب این قانون بموجب حکم قطعی عدلیه یا بموجب تجدید نظر مطابق ماده ۸ قانون سبجل احوال بموجب ۲۰ امرداد ماه ۱۳۰۷ تصحیح شده مورد اعتراض اداره نظام وظیفه از حیث مشمولیت نظام وظیفه واقع شود نماینده اداره مزبوره از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ۵ سال در مورد اوراقی که بر طبق حکم محاکم عدلیه تصحیح شده میتواند بنوسط مدعی العموم محکمه که حکم داده بر حکم مزبور اعتراض نماید محکمه با اعتراض مزبور که بطرفیت نماینده اداره نظام وظیفه و مدعی العموم طرح میشود یا حضور معترض علیه با وکیل او رسیدگی کرده در صورتیکه اعتراض را وارد دید حکم سابق را نسخ کرده و حکم مجدد خواهد داد و حکم مزبور قابل استیناف و تمیز نیست و اداره سبجل احوال نیز مکلف است در قیافه هویت شخص معترض علیه را مطابق حکم محکمه تصحیح نماید و در مورد اوراقی که بر طبق تجدید نظر بموجب قانون سابق الذکر تصحیح شده از تاریخ تصویب این قانون تا مدت ۵ سال بتقاضای نماینده نظام وظیفه کمیسیونی مرکب از وزیر عدلیه و وزیر داخله رئیس اداره نظام وظیفه عمده و رئیس اداره احصائیه و سبجل احوال و یک نفر نماینده ارشد از طرف وزارت جنگ تعیین و باوراق مذکوره رسیدگی کرده رأی خواهد داد - رأی مذکور قطعی و غیر قابل اعتراض است و لی این رأی منحصرأ از حیث مقررات راجعه بنظام وظیفه مؤثر خواهد بود

تبصره ۱ - محل اعتراض نسبت باوراق هویت سکنه قراء و بلوک مراکز حوزه های مربوطه آن محل خواهد بود

تبصره ۲ - حضور هر يك از نمایندگان معینه منوط بوجود ادارات مربوطه در محل خواهد بود.

تبصره ۳ - معترض علیه چنانچه مدارك و استنادی برای تأیید مندرجات ورقه هویت خود داشته و در دسترس نباشد میتواند به مدت متناسبی کتباً از هیئت های محلی و نهائی استمهال نماید.

تبصره ۴ - طرز اجرای این قانون مطابق نظامنامه مخصوصی بعمل خواهد آمد که بطور کلی جریان رسیدگی و مراحل مختلفه آن بیش از چهار ماه نباشد مگر در صورت استمهال از طرف معترض علیه.

تبصره ۵ - آراء صادره سابق کمیسیون نهائی (مشکله بموجب قانون آذر ۱۳۱۰) در صورتیکه تاکنون اجرا نشده و معترض علیهم بالبر از مدارك مثبته شکایت داشته باشند با اجازه وزارت جنگ مطابق مقررات فوق قابل تجدید رسیدگی خواهد بود.

تبصره ۶ - ماده ۴ و ۵ قانون مجازات مجرمین در امور نظام وظیفه مصوب ۲۳ مرداد ماه ۱۳۱۰ شامل کلیه اشخاصی خواهد بود که مأمور اجرای این ماده میباشند - مجازات متخلف از مقررات نظامنامه مالی که بموجب این ماده تنظیم میشود مطابق مقررات انضباطی قذافی همین خواهد شد.

تبصره ۷ - بطور کلی این ماده تا اجرای سرشماری و تجدید نظر در اوراق هویت قابل اجراء خواهد بود این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه اول بهمن ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

شورای ملی رسید

قانون

راجع با اجرای ماده ۱۱ قانون استخدام کشوری

ماده واحده - در مورد قسمت اول از ماده ۱۰ قانون استخدام کشوری هرگاه مجلس تحقیق و محاکمه اداری اشتباهاً قبل از ارجاع امر به محکمه عمومی حکمی صادر نماید این حکم مانع از تنقیب مستخدم متهم بارتکاب جنحه باجنایت در محکمه عمومی نخواهد بود.

این قانون که مشتمل بر يك ماده است در جلسه اول بهمن ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

شورای ملی رسید.

قانون

راجع به اختلاف صلاحیت بین محاکم عدلیه و دیوان محاکمات مالیه

ماده اول - مرجع حل اختلاف راجع به صلاحیت بین محاکم عدلیه و دیوان محاکمات مالیه دیوان عالی تمیز است

ماده دوم - مواد ماده ۱۷۰ قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب رمضان و ذیحجه ۱۳۲۹ قمری شامل

اختلاف بین محاکم عدلیه و محاکمات مالیه نخواهد بود

این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه اول بهمن ماه یکهزار و سیصد و دوازده شمسی بتصویب مجلس

رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

شورای ملی رسید